رئیس قوه قضاییه ضمن اتمام حجت با اغتشاشگران تبیین کرد

دشمن روی زخم می‌نشیند



مهدی سیف‌تبریزی
گروه سیاسی

در حالی که خیابان‌های برخی شهرهای کشور در روزهای اخیر شاهد ناآرامی‌هایی پراکنده بوده، سخنان روز گذشته رئیس دستگاه قضا، اتمام حجتی بود با اقلیتی که با وجود عدم همراهی مردم تلاش دارند تا با مانورهای تخریبی به ناامنی دامن بزنند. حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای در نشست شورای عالی قوه قضاییه، با ادبیاتی قاطع و صریح، مرزهای میان «اعتراض» و «اغتشاش» را تبیین کرد و از پایان دوره مماشات با کسانی خبر داد که امنیت عمومی را به بازی گرفته‌اند.

باید حرف معترض و منتقد را شنید

رئیس قوه قضاییه با اشاره به توطئه دشمن برای بهره‌برداری از مشکلات معیشتی موجود در داخل کشور تصریح کرد: باید توجه داشت که دشمن بر روی زخم‌ها می‌نشیند؛ زخم‌ها و مشکلاتی که بعضا واقعی هستند و علاوه بر فشار تحریمی دشمن، در به‌وجود آمدن آنها، ضعف‌ها و نواقص خود ما نیز دخیل بوده‌اند؛ فلذا باید با مشارکت مردم و نخبگان، این زخم‌ها را مرهم کنیم و بر مشکلات فائق آییم؛ امروز کثیری از مردم ما با مشکلات معیشتی دست‌وپنجه نرم می‌کنند؛ باید تمام همت خود را مصروف رفع این مشکلات کنیم.

رئیس قوه قضاییه در ادامه با اشاره به وقایع اخیر و تلاش مذبوحانه دشمنان برای ایجاد اغتشاش و ناامنی در کشور اظهار کرد: همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمودند، نظام جمهوری اسلامی ایران، حرف و سخن معترض و منتقد را می‌شنود و صف او را جدا و متمایز از صف اغتشاشگر می‌داند؛ بر همین اساس، بر همه ما مسئولان فرض است که هرچه بیشتر به میان مردم در بازارها، مساجد، دانشگاه‌ها و سایر مراکز و مجامع برویم و ضمن تبیین‌گری و شبهه‌زدایی، سخنان و دغدغه‌های آنان را بشنویم؛ باید نسبت به عملکرد خود در میان مردم پاسخگو باشیم و نقد و اعتراض مردم به عملکرد دیگر قوا و دستگاه‌ها را نیز به متولیان امر، منتقل و منعکس کنیم. باید از مردم و نخبگان در جهت رفع مشکلات موجود کمک و مشورت بگیریم؛ اینها از جمله راه‌های مؤثر در شنیدن کلام و صدای معترضان و منتقدان است.

پایان فصل مماشات؛ شمشیر عدالت بر گردن آشوب

حجت‌الاسلام اژه‌ای تأکید کرد که از این پس، دستگاه قضا هیچ‌گونه ارفاقی در قبال عناصر اصلی اغتشاشات نخواهد داشت. نکته کلیدی در صحبت‌های وی، عبور از مفهوم «فرد فریب‌خورده» بود. به‌گفته رئیس عدلیه، وقتی دشمنان قسم‌خورده ملت ایران، یعنی رژیم‌های آمریکا و صهیونیستی، به‌صورت علنی و رسمی ردای حمایت از آشوبگران را بر تن کرده‌اند، دیگر ادعای جهل یا فریب‌خوردگی از سوی کسانی که دست به تخریب اموال عمومی و سلب امنیت مردم می‌زنند، مسموع نیست.

وی با صدور دستوری موکد به تمامی دادستان‌ها و محاکم سراسر کشور، خواستار تسریع در برگزاری دادگاه‌های عوامل آشوب شدند. این سرعت عمل، نه به معنای نادیده گرفتن استانداردهای حقوقی، بلکه پاسخی ضروری به مطالبه عمومی جامعه برای بازگشت آرامش و تنبیه کسانی است که با هدایت اتاق‌های فکر فرامرزی، سعی در فلج کردن زندگی روزمره مردم دارند.

فرمان آشوب از ایرفورس وان

همزمان با ایستادگی دستگاه قضایی بر مدار قانون، در آن سوی اقیانوس‌ها، دونالد ترامپ بار دیگر ماهیت مداخله‌جویانه سیاست‌های واشنگتن را به نمایش گذاشت. وی روز گذشته در حالی که سوار بر هواپیمای ویژه ریاست‌جمهوری (ایرفورس وان) فلوریدا را به مقصد واشنگتن ترک می‌کرد، در جمع خبرنگاران با تکرار ادبیات تهدیدآمیز خود، از آمادگی کامل نیروهای نظامی آمریکا برای مداخله خبر داد. استفاده ترامپ از عباراتی نظیر «آماده‌باش کامل» و تهدید به وارد آوردن «ضربات سخت»، بیش از آن‌که یک حمایت انسانی از حقوق معترضان باشد، یک پیام رمز برای هسته‌های عملیاتی در داخل ایران تلقی می‌شود. این لفاظی‌ها که مستقیما حاکمیت ملی ایران را هدف قرار داده، به بهترین شکل ممکن مدعای رئیس قوه قضاییه را به اثبات رساند: این یک اعتراض صنفی یا اقتصادی ساده نیست؛ بلکه یک پروژه «ویران‌سازی» است که فرماندهی آن مستقیما در دست کاخ‌سفید قرار دارد. همین موضع‌گیری تند و غیردیپلماتیک ترامپ بود که باعث شد بسیاری از افرادی که دارای اعتراضات مسالمت‌آمیز بودند، به سرعت صف خود را از اغتشاشگران جدا کنند؛ چراکه هیچ ایرانی وطن‌پرستی حاضر نیست در زمینی بازی کند که سربازان آن، آلت دست تهدیدهای خارجی باشند.

اتاق جنگ رسانه‌ای و افسانه‌سرایی کور

در کنار تهدیدهای نظامی و سیاسی، بازوی رسانه‌ای این توطئه نیز با تمام توان وارد میدان شده است. در ۲۴ ساعت گذشته، رسانه‌های وابسته به محافل صهیونیستی و خبرگزاری‌های غربی به شکل فراگیر اقدام به انتشار خبری کذب مبنی بر «آمادگی سران ایران برای خروج از کشور و عزیمت به روسیه» کردند. این شایعه که با جزئیات ساختگی و استناد به منابع جعلی منتشر شد، بخشی از یک «عملیات روانی کلاسیک» برای تخریب روحیه نیروهای حافظ امنیت و ایجاد حس فروپاشی در بدنه جامعه است. تحلیلگران معتقدند این حجم از هجمه رسانه‌ای، دقیقا مکمل عملیات میدانی مهره‌های موساد در داخل است. وقتی در میدان نبرد، آشوبگران در برابر سد مستحکم بصیرت مردمی و اقتدار قضایی متوقف می‌شوند، اتاق‌های فکر تل‌آویو با ابزار «دروغ‌پردازی سیستماتیک» می‌کوشند القا کنند که ساختار حاکمیت دچار تزلزل شده است. این بازی روانی، نه یک خبر، بلکه یک «سلاح» است که برای پشتیبانی از اعتراضات خشونت‌آمیز طراحی شده تا به عوامل مزدور در خیابان، انگیزه بیشتری برای تخریب و ترور ببخشد.

پیوند نامقدس؛ موساد و سودای آشوب

آنچه امروز در پهنه سیاسی ایران مشاهده می‌شود، تلاقی یک خباثت دیپلماتیک با یک وقاحت رسانه‌ای است. از یک سو رئیس جمهور آمریکا از داخل ایرفورس وان وعده «نجات» به آشوبگران می‌دهد و از سوی دیگر رسانه‌های صهیونیستی با افسانه‌سرایی درباره سران کشور، سعی در مدیریت افکار عمومی دارند. این پیوند نامقدس نشان می‌دهد که دشمن، تمام تخم‌مرغ‌های خود را در سبد «بی‌ثباتی ایران» چیده است.

اما نکته‌ای که جبهه استکبار از درک آن عاجز مانده، هوشیاری ملی و قاطعیت ساختار قانونی کشور است. سخنان مسئولان کشور مبنی بر برخورد بدون ارفاق، در واقع پاسخی به این مداخله‌گری‌های عریان بود. وقتی دشمن نقاب از چهره برمی‌دارد، قانون نیز با قاطعیت بیشتری عمل می‌کند. جمهوری اسلامی ایران بارها نشان داده که امنیت ملی خود را با هیچ مصلحت‌اندیشی سیاسی معامله نخواهد کرد و دادگاه‌های سریع و عادلانه برای اغتشاشگران، نخستین گام در جهت خنثی‌سازی این فتنه چندلایه خواهد بود. در پایان، باید گفت که فضاسازی رسانه‌ای بیش از آن‌که نشان‌دهنده قدرت دشمن باشد، گویای استیصال آنها در برابر منطق مستحکم نظام و پیوند میان ملت و حاکمیت است. ایران اسلامی، با تکیه بر استقلال قضایی و بصیرت مردمی، این پیچ تاریخی را نیز با اقتدار پشت‌سر خواهد گذاشت و بساط مزدوران موساد و واشنگتن را جمع خواهد کرد.

برش

پایان خودنمایی گروهک‌های تجزیه‌طلب در ایلام

باوجود تلاش‌های حامیان گروهک‌های تجزیه‌طلب و معاند برای التهاب‌آفرینی و اغتشاش در سطح شهر ایلام اما نیروهای امنیتی و فراجا اجازه هرگونه اقدام و آشوبگری را از فرصت‌طلبان گرفته‌اند.

حامیان گروهک‌های تجزیه‌طلب و معاند از هرگونه اقدام و فرصتی برای اغتشاش و آشوب دریغ نکردند و با پرتاب نارنجک جنگی به سمت نیروهای امنیتی، در تلاش برای ایجاد التهاب و ناامنی در سطح شهر بودند که حافظان امنیت با اقتدار اجازه آشوبگری و اغتشاش را ندادند و بلافاصله این نارنجک خنثی شد.

از شب‌های گذشته امنیت و آرامش در سطح شهرهای استان ایلام برقرار بوده و نیروهای امنیتی فرصت هرگونه آشوبگری را از حامیان گروهک‌های تجزیه‌طلب و معاند گرفته‌اند.

در همین راستا یک عامل وابسته به سرویس جاسوسی رژیم صهیونیستی (موساد) که در پوشش حضور در میان اغتشاشاگران فعالیت می‌کرد، توسط دستگاه‌های امنیتی شناسایی و دستگیر شد.

این فرد در بخشی از اعترافات خود به نحوه جذب، آموزش و ارتباط‌گیری با عناصر مرتبط با موساد اشاره کرده و گفته است: در شبکه‌های اجتماعی مثل اینستاگرام و تلگرام، افرادی را شناسایی می‌کردند که فعالیت و لایک دارند. می‌گفتند هر کاری بخواهی انجام بدهی، ما هوایت را داریم. از همان ابتدا به من آموزش دادند چه کارهایی انجام بدهم و چه کارهایی نکنم.

یادداشت

اسماعیل کوثری | عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس

تهدیدهای تکراری و واقعیت بازدارندگی ایران

تهدیدات اخیر دونالد ترامپ علیه جمهوری اسلامی ایران و همزمانی آن با فضاسازی‌های رسانه‌ای و سیاسی رژیم صهیونیستی، بار دیگر ماهیت واقعی رفتار آمریکا و اسرائیل در قبال ملت‌ها را آشکار کرد. این تهدیدها، نه پدیده‌ای تازه بلکه ادامه همان مسیر تاریخی است که استکبار جهانی و صهیونیسم همواره در پیش گرفته‌اند؛ مسیری مبتنی بر قلدری، فشار و تهدید، آن هم با ادعاهای پرطمطراق درباره حقوق بشر و دموکراسی که هیچ سنخیتی با رفتار عملی آنها ندارد.

واقعیت آن است که آمریکا و رژیم صهیونیستی ذاتا با منطق تهدید و ایجاد ناامنی زیست می‌کنند. آنها هرگز برای مردم و به نفع آنها سخن نگفته‌اند و همواره تلاش کرده‌اند با ایجاد بحران و درگیری، به‌ویژه در منطقه غرب آسیا، منافع نامشروع خود را تأمین کنند. تهدید همزمان کشورهایی مانند ایران و حتی ونزوئلا به‌خوبی نشان می‌دهد که این رویکرد، مبتنی بر هیچ منطق حقوقی یا اخلاقی نیست و صرفا از روحیه سلطه‌طلبانه و زورمدارانه آنها نشأت می‌گیرد.

در عین حال، این تهدیدات بیش از آن‌که نشان‌دهنده قدرت واقعی آمریکا و اسرائیل باشد، بیانگر درماندگی آنهاست. به لطف خداوند، آنها در سال‌های اخیر در عرصه‌های مختلف، ضربات پی‌درپی متحمل شده‌اند و نتوانسته‌اند به اهداف اعلامی خود دست پیدا کنند. با این حال، ماهیت شیطانی این جریان‌ها ایجاب می‌کند که حتی پس از شکست، دست از طراحی و توطئه برندارند و مدام در پی ایجاد بحران‌های جدید باشند.

در چنین شرایطی، هوشیاری، آمادگی و وحدت ملی، مهم‌ترین مؤلفه‌های بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران است. ملت باید با انسجام و آمادگی کامل، چنان عمل کند که دشمنان بیش از پیش ناامید شوند و جرأت عملی کردن تهدیدات خود را نداشته باشند.

در همین چارچوب، برجسته‌سازی برنامه موشکی ایران از سوی رژیم صهیونیستی و آمریکا نیز معنا پیدا می‌کند. توانمندی موشکی جمهوری اسلامی ایران، صرفا ماهیتی دفاعی دارد و تنها برای حفاظت از سرزمین، مردم و نظام جمهوری اسلامی طراحی و تقویت شده است. ایران هیچ‌گاه به دنبال آغاز جنگ نبوده و نیست اما اگر کوچک‌ترین تعرضی به کشور صورت گیرد، پاسخ ایران فقط در حد دفاع باقی نخواهد ماند بلکه به‌گونه‌ای خواهد بود که دشمن از اقدام خود به‌شدت پشیمان شود.

طی ۴۷ سال گذشته، دشمنان بارها تلاش کرده‌اند با فشار، تهدید و توطئه، جمهوری اسلامی را وادار به عقب‌نشینی کنند اما هر بار با شکست مواجه شده‌اند. با این حال، منطق سرمایه‌داری صهیونیستی و استکبار جهانی ایجاب می‌کند که آتش درگیری‌ها خاموش نشود؛ چراکه فروش سلاح، ناامن‌سازی کشورها و پر کردن جیب کمپانی‌های بزرگ تسلیحاتی، از مهم‌ترین اهداف آنهاست.

نگاهی به وضعیت داخلی آمریکا، که خود را «مهد آزادی» معرفی می‌کند، پرده از این دورویی برمی‌دارد. آمار بالای کشته‌شدگان با سلاح گرم در این کشور، به‌خوبی نشان می‌دهد که ادعاهای حقوق بشری آمریکا تا چه اندازه دروغین و بی‌پایه است. همین واقعیت‌هاست که ماهیت واقعی مدعیان آزادی و دموکراسی را برای افکار عمومی جهان روشن می‌کند.

از این منظر، طرح مکرر موضوع برنامه موشکی ایران، اساسا قابل مذاکره و معامله نیست. همان‌گونه که سایر کشورها از حق دفاع مشروع برخوردارند، جمهوری اسلامی ایران نیز این حق را برای خود محفوظ می‌داند. در عین حال، درباره سلاح هسته‌ای، موضع نظام کاملا روشن است؛ مقام معظم رهبری به‌صراحت و به‌صورت قطعی، تولید و به‌کارگیری سلاح هسته‌ای را ممنوع اعلام کرده‌اند.

اما توان موشکی، بخشی جدایی‌ناپذیر از دفاع همه‌جانبه کشور است؛ توانمندی‌ای که ایران آن را با تکیه بر دانش بومی و توان داخلی توسعه داده و در این مسیر، هیچ‌گاه عقب‌نشینی نخواهد کرد. موشک، نه موضوع معامله است و نه قابل چشم‌پوشی؛ چراکه مستقیما با امنیت ملی و دفاع از ملت ایران گره خورده است.

یادداشت

سپهر خلجی | تحلیلگر مسائل سیاسی

عبرت ملی و ضرورت مسدودسازی مسیرهای اشتباه

اتفاقات یک هفته اخیر نشان می‌دهد جهش قیمت ارز متغیر مرکزی برای پیوند زدن کف جامعه با جریان هادی اغتشاشات است. دشمن نیز با درک این موضوع که نارضایتی اقتصادی مهم‌ترین انگیزاننده برای اجتماعی کردن و تداوم‌بخشی به اعتراضات است، تلاش دارد با فشار بیشتر ارزی، از خاموش شدن اعتراضات جلوگیری کند.

شواهد گویای این واقعیت است که تلاش دشمن بر پیوند اعتراضات به اغتشاش سراسری و بلندمدت متمرکز شده تا با ایجاد اختلال در اداره کشور، موج نارضایتی عمومی را با خود همراه کند.

از سال قبل با تحلیل روندها، بسیاری از دلسوزان با شواهد و مستندات فراوان و نتایج افکارسنجی مراکز معتبر نسبت به ناکارآمدی، بی‌برنامگی و ضعف دولت و ناتوانی در اداره عمومی کشور هشدار دادند و زمینه‌های بروز بحران و فرصت‌یابی دشمن را در کوتاه‌مدت پیش‌بینی کردند؛ اتفاقی که سوگمندانه به‌دلیل از دست رفتن عاملیت دولت در افکار عمومی و نتیجه‌بخش نبودن همه حمایت‌ها و پشتیبانی‌ها با سنگین‌ترین هزینه‌های ملی و فرسایش سرمایه اجتماعی همراه شده است.

فرصت‌یابی دشمن با برآورد از ضعف داخلی و به‌هم ریختگی سامانه اداره کشور باعث شد ترامپ نیز فرصت نقش‌آفرینی یافته و با گستراندن چتر حمایتی بر روی اغتشاشگران، زمینه جسور کردن عوامل میدانی را فراهم و تلاش خود را بر بین‌المللی‌سازی آشوب‌ها متمرکز کند. بازوی رسانه‌ای هم به موازات کنشگری‌های ترامپ کاملا فعال شده و شاید محوری‌ترین مأموریت را از جهت مهندسی افکار عمومی جامعه ایرانی به‌عهده گرفته است. رصد جریان رسانه‌ای معاند نشان می‌دهد تلاش دارند اعتراضات را به‌عنوان روندی در حال گسترش جغرافیایی و دارای همزمانی خیابان و بازار بازنمایی کنند. در کنار آن تلاش می‌شود با ترغیب معترضان به خشونت بیشتر با برجسته‌سازی میدانی و با وزن‌دهی هدفمند به تصاویر خشونت‌آمیز، کنش‌های خشن به‌عنوان الگوی غالب اعتراضات این دوره تثبیت شود.

تصویرسازی از بحران فراگیر و ناتوانی در برخورد با آشوبگران هم روی دیگر تلاش دشمن برای القای خارج شدن اداره اوضاع از کنترل است تا هم دخالت خارجی را توجیه و هم بستر لازم را برای ضربه مجدد به کشور فراهم کنند.

اگرچه با الطاف الهی و پشتوانه مردمی انقلاب اسلامی این بار هم همچون نیم قرن گذشته تلاش دشمنان به اهداف مورد نظر نخواهد رسید اما یقینا بازخوانی روند یک‌سال گذشته که زمینه فرصت‌یابی دشمنان را فراهم و آسیب زیادی به اندوخته‌های ملی وارد کرد می‌تواند در عبرت ملی و مسدودسازی مسیرهای انتخاب اشتباه و اصلاحات اساسی در نحوه اداره کشور مؤثر باشد.

یادداشت

محمد عطریانفر | عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت

اعتراضات و مرز خطرناک اغتشاش

چهل‌وهفت سال است که جمهوری اسلامی ایران برای حفظ استقلال سیاسی خود هزینه‌های زیادی پرداخته است. از ابتدای انقلاب، با حوادثی از جنس کودتا گرفته تا تحمیل یک جنگ هشت‌ساله، ملت ایران بار سنگین این مسیر را به دوش کشیده و مظلومانه فشارها را تحمل کرده است؛ آن هم صرفا برای حفظ استقلال، حیثیت ملی و جلوگیری از هضم‌شدن در گفتمان مسلط جهانی؛ گفتمانی که آمریکایی‌ها همواره در پی تحمیل آن بوده‌اند. تحریم‌ها، فشارهای اقتصادی و حتی حملات مستقیم یا غیرمستقیم رژیم صهیونیستی که با حمایت آمریکا صورت گرفته، همگی در امتداد همین مسیر قابل تحلیل است. این‌ها هزینه‌هایی است که ملت ایران برای صیانت از استقلال خود می‌پردازد. مردم زمانی مشکلات را تحمل می‌کنند که به حاکمیت اعتماد کافی داشته باشند. در دوره‌هایی که این اعتماد وجود داشته، همین پشتوانه مردمی توانسته تضمین‌کننده استقلال کشور در عرصه‌های راهبردی و گفتمان‌های سیاسی-بین‌المللی باشد اما امروز در نقطه‌ای ایستاده‌ایم که فشار اقتصادی به‌شدت معیشت مردم را تحت تاثیر قرار داده است. نگرانی نسبت به آینده، کاهش قدرت خرید و تضعیف پایداری اقتصادی، دغدغه‌ای واقعی و ملموس برای بخش بزرگی از جامعه شده است. از این منظر، اعتراض مردم نه‌تنها قابل درک بلکه حقی طبیعی است. مردم حق دارند نگران باشند و مطالبات خود را بیان کنند. در عین حال، باید توجه داشت که در شرایطی که کشور در برابر گفتمان مسلط جهانی مقاومت می‌کند و هزینه استقلال خود را می‌پردازد، بستر اعتراضات می‌تواند زمینه سوءاستفاده دشمن را فراهم کند. از همین‌رو، هوشیاری یک ضرورت است. هوشیاری به این معناست که حاکمیت، پیش از هر چیز، اعتراضات را بپذیرد، برای آن احترام قائل شود، گوش شنوا داشته باشد و برای رفع دغدغه‌های مردم همت کند. در کنار این فهم درست، زبان اقناع، برنامه‌های اصلاحی و ترمیمی و پاسخگویی شفاف، از الزامات جدی این مسیر است. اگر این الزامات مورد توجه قرار گیرد، می‌توان انتظار داشت که مردم خود مرز روشنی میان اعتراض و اغتشاش ترسیم کنند.

بستر اغتشاش همین اعتراضات است و اغتشاش زمانی شکل می‌گیرد که اعتراض به‌درستی مدیریت نشود و گوش شنوایی در کنار آن وجود نداشته باشد. در چنین شرایطی، اغتشاش بر بدنه اعتراض سوار می‌شود و به کشور آسیب می‌زند. در خصوص دخالت خارجی، از جمله اظهارات اخیر ترامپ، باید تاکید کرد که دخالت در امور داخلی ایران همواره محکوم بوده است. دخالت خارجی فقط به‌معنای تهاجم نظامی نیست؛ دخالت سیاسی و تلاش برای تابع‌کردن ابزار قدرت ایران به منافع سلطه‌طلبانه آمریکا نیز مصداق آشکار آن است. در شرایطی که آمریکا در کمتر از ۱۵ ماه شاهد قتل عام فجیع بیش از ۷۰ هزار نفر در غزه بوده، نمی‌تواند مدعی حقوق بشر شود یا به بهانه احتمال آسیب‌دیدن چند نفر در جریان کنترل اغتشاشات، ژست مداخله‌گرایانه بگیرد. این رفتارها بیش از آن‌که واقعی باشد، هیاهوی تبلیغاتی و جنگ روانی برای برهم‌زدن ذهنیت جامعه است و نه اعتبار دارد، نه ارزش. در این مورد هم هوشیاری حاکمیت بسیار مهم است.

خبر

رئیس جمهور:

مبارزه با قاچاق سوخت باید از سرمنشأهای اصلی آغاز شود

رئیس جمهور صبح روز دوشنبه در نشستی برای بررسی نتایج و دستاوردهای نشست سال گذشته «ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز» با تأکید بر این‌که مبارزه با قاچاق سوخت زمانی مؤثر واقع می‌شود که با منشا و مبدا وقوع تخلف برخورد صورت گیرد، افزود: برخورد با فعالان خرد این عرصه نه تنها مشکل را رفع نمی‌کند، بلکه می‌تواند تنش‌های اجتماعی نیز ایجاد کند. باید با عوامل اولیه و سرمنشاء‌های اصلی، فارغ از هر نوع وابستگی آنها برخورد شود و اتفاقا برخورد با کسانی که از داخل سیستم در خروج سوخت از زنجیره توزیع رسمی مداخله دارند، باید جدی‌تر باشد.

پاسخ فضائلی به ایلان ماسک:

از بزرگ‌ترهایت بپرس!



دریی واکنش ایلان ماسک به پیام صفحه رهبرمعظم انقلاب در شبکه ایکس، عضو دفتر حفظ و نشر آثار رهبرمعظم انقلاب با انتشار تصاویری از ناکامی‌های آمریکا در منطقه به این اظهارنظر پاسخ داد. حساب کاربری دفتر حفظ و نشر آثار رهبرمعظم انقلاب، بخشی از بیانات ایشان با مضمون «ما تسلیم دشمن نخواهیم شد» را سه روز پیش بازنشر کرد. ساعاتی بعد، ایلان ماسک نوشت: «زهی خیال باطل». مهدی فضائلی عضو دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب نیز روز گذشته با انتشار تصویری ترکیبی شامل چهار رویداد شاخص شکست عملیات طبس، بازداشت نظامیان آمریکایی در خلیج‌فارس، حمله به پایگاه عین‌الاسد و العدید قطر به این موضع‌گیری ماسک پاسخ داد و نوشت: «از بزرگ‌ترهایت بپرس!». واکنشی که یادآور می‌شود ماسک در زمان شکست عملیات طبس تنها هشت‌ساله بوده است.

نگاه

رهبر شما کیست آقای استاد بلاگر؟

عبدالرضا هادی‌زاده نائینی
دبیر گروه سیاسی

علی شریفی‌زارچی، استاد دانشگاهی که بیش از آن‌که با دستاورد علمی شاخص شناخته شود، با جنجال‌آفرینی سیاسی در فضای مجازی مطرح شده، بار دیگر با موضع‌گیری‌ای در متن یک نبرد تمام‌عیار رسانه‌ای قرار گرفت و در صفحه شخصی خود نوشت: «علی خامنه‌ای رهبر من نیست.» این سخن نه نقد علمی است و نه بحث نظری دانشگاهی، بلکه اعلام موضع سیاسی آشکار در شرایطی است که امروز در برخی نقاط کشور آشوب جریان دارد؛ آشوبی که با حمایت مستقیم و علنی آمریکا و رژیم صهیونیستی هدایت می‌شود. این موضع‌گیری، جدا از سابقه گوینده قابل فهم نیست. شریفی‌زارچی پیش‌تر نیز در جریان فتنه موسوم به «زن، زندگی، آزادی» نقش فعال در میدان التهاب‌آفرینی داشت؛ نقشی که به عدم تمدید قرارداد همکاری‌اش با دانشگاه صنعتی شریف انجامید و پس از آن، با نگارش نامه‌ای عذرخواهانه خطاب به رهبر معظم انقلاب، بار دیگر امکان حضور در دانشگاه برای او فراهم شد. مسأله اما آزادی بیان نیست؛ مسأله، مسئولیت است. کسی که از عنوان دانشگاهی بهره می‌برد اما در عمل به بلاگر سیاسی تمام‌وقت تبدیل شده، نمی‌تواند نسبت به آثار اجتماعی و امنیتی مواضعش بی‌تفاوت باشد. در شرایط جنگ ترکیبی هر جمله یا در تقویت جبهه ملت معنا پیدا می‌کند یا در تکمیل پازل دشمن. تکرار گزاره‌هایی که دقیقا در راستای پروژه رسانه‌ای واشنگتن و تل‌آویو قرار دارد، آگاهانه یا ناآگاهانه، همصدایی با دشمن است. اکنون که آمریکا و رژیم صهیونیستی کمر به ناامنی و سوریه‌سازی ایران بسته‌اند افکار عمومی حق دارد بپرسد: پس رهبر شما کیست؟ آمریکا؟ اسرائیل؟ همان‌هایی که جنگ، آشوب، تحریم و فشار را تنها راه مواجهه با ملت ایران می‌دانند؟ تاریخ نشان داده در بزنگاه‌ها، خاکستری وجود ندارد. ایستادن در نقطه‌ای که دشمن از آن سود می‌برد، حتی با پوشش دانشگاه و روشنفکری، چیزی جز بازی در زمین دشمن نیست.